«رجال نجاشی» سیر رجال نویسی متقدمان

جاودان، محمد

محمد جاودان قدیمى‏ترین کتاب 1 رجالى شیعه که اقدم کتب رجال در اسلام نیز هست رساله یا کتابى است که عبید الله بن ابى رافع متصدى بیت المال امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام و کاتب ایشان نوشته است، و «تسمیة من شهد مع امیر المؤمنین علیه السلام الجمل و صفین و النهروان من الصحابة رضى الله تعالى عنهم» 2 نام دارد.از این کتاب امروز هیچ نشانى در دست نیست.از هنگام تألیف این کتاب تا عصر تألیف رجال نجاشى-کتاب مورد بحث ما-زمانى قریب سه قرن گذشته و در این مدت دهها و شاید صدها کتاب رجال یا فهرست، در جامعه شیعه پدید آمده است که البته عمده آنها به قرن سوم و بعد از آن مربوط مى‏شوند.از آن جمله مى‏توان کتاب‏هاى زیر را به عنوان نمونه ذکر کرد:

1-کتاب الدیباج فى اخبار الشعراء 3 و من شهد الجمل مع على علیه السلام 4 و من شهد صفین مع على من الانصار 5 و کتابهاى بسیار دیگر تألیف هشام بن محمد بن سائب کلبى(متوفاى 206 ه.ق)

2-کتاب الرجال، تألیف عبد الله بن جبلة بن حیان بن ابجر کنانى از اصحاب امام کاظم ع(متوفاى 219 ه.ق) 6

3-کتاب الرجال، تألیف حسن بن على بن فضال کوفى از دانشمندان بزرگ کوفه(متوفاى 224 ه.ق) 7

4-کتاب معرفة رواة الاخبار و کتاب المشیخه تألیف حسن بن محبوب سراد(متولد 149 ه.ق و متوفاى 224 ه.ق) 8

5-کتاب الرجال و کتاب الطبقات تألیف احمد بن محمد بن خالد برقى قمى(متوفاى 274 ه.ق) 9

6-کتاب الجرح و التعدیل تألیف حافظ ابو محمد عبد الرحمن بن یوسف بن خراش مروزى بغدادى (متوفاى 283 ه.ق) 10

7-کتاب فضل الکوفة و من نزلها من الصحابة و اخبار من قتل من آل ابى طالب تألیف ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفى(متوفاى 283 ه.ق) 11

8-رجال الشیعة تألیف على بن حکم نخعى انبارى شاگرد محمد بن ابى عمیر و متولد در قرن دوم و متوفاى در قرن سوم 12

9-کتاب الرجال تألیف محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینى متوفاى 329 ه.ق در بغداد، از بزرگترین دانشمندان قرن سوم و چهارم 13

10-کتاب الرجال تألیف احمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمان معروف بن ابن عقده(متولد در سال 249 و متوفاى 333 ه.ق)این دانشمند بزرگ داراى کتابهاى زیادى در این فن بوده و تنها در این کتاب که نام بردیم نام کسانى که به محضر امام صادق ع تشرف یافته و از ایشان حدیث نقل کرده‏اند آمده و چهار هزار تن برآورد شده‏اند. 14

11-کتاب اخبار النساء الممدوحات و کتاب من قال بالتفضیل من الصحابة و غیرهم تألیف محمد بن احمد کاتب بغدادى معروف به ابن ابى ثلج(متوفاى 325 ه.ق) 15

12-اخبار بغداد و طبقات اصحاب الحدیث بها تألیف حافظ قاضى ابو بکر محمد بن عمر بن محمد بن سالم جعابى(متولد سال 284 و متوفاى 355 ه.ق)از این دانشمند بزرگ کتاب دیگرى در این زمینه مى‏شناسیم به نام الشیعة من اصحاب الحدیث و طبقاتهم 16

13-کتاب الطبقات تألیف احمد بن محمد بن حسین مشهور به ابن دؤل قمى متوفاى سال 350 ه. ق این دانشمند صد تألیف داشته است. 17

14-رسالة فى نسب آل اعین و تراجم المحدثین منهم نام احتمالى رساله‏اى رجالى است تألیف شیخ ابو غالب احمد بن محمد زرارى(متولد 285 و متوفاى 368 ه.ق)این رساله در ترجمه احوال راویان و دانشمندان آل اعین 18 است.

15-المصابیح تألیف شیخ محمد بن على بن الحسین معروف به ابن بابویه و صدوق.این کتاب داراى 15 مصباح است و هر مصباحى از آن به ذکر راویان یکى از اهل عصمت علیهم السلام اختصاص یافته و مصباح پانزدهم در مورد کسانى است که توقیعات از ناحیه مقدسه امام عصر علیه الصلوة و السلام نسبت به ایشان صادر شده است.صدوق دو کتاب دیگر نیز در زمینه علم رجال دارد که یکى به نام کتاب الرجال المختارین من اصحاب النبى صلى الله علیه و آله، و دیگرى به نام کتاب المعرفة برجال البرقى، مى‏باشد. این دانشمند بزرگوار در سال 381 ه.ق در رى وفات یافته است. 19

16-معرفة الناقلین عن الائمه الصادقین علیهم السلام معروف به رجال کشى تألیف شیخ ابو عمرو محمد بن عمر بن عبد العزیز کشى دانشمند متوفاى احتمالا در نیمه قرن چهارم.این کتاب یکى از اندک کتاب‏هاى رجالى در قرون اول تا پنجم است که اکنون خلاصه و منتخبى از آن در دست مى‏باشد 20

اصول چهار گانه رجالى

در قرن پنجم نیز کتابهاى رجالى زیادى تألیف یافته است که مهمترین آنها عبارتند از:سه کتاب از ابن غضائرى و سه کتاب از شیخ الطائفه ابو جعفر طوسى و یک کتاب از ابو العباس احمد بن على نجاشى، و خوشبختانه این چهار کتاب اخیر امروز در دسترس است.

1-احمد بن حسین بن عبید الله غضائرى متوفاى سال 411 در شماره بزرگترین رجال نویسان قرن چهارم و پنجم بوده و احتمالا اولین کتابهاى جامع این فن را تألیف کرده است.نوشته‏هاى او عبارتند از:کتاب الضعفا و کتاب فهرست اصول و کتاب فهرست مصنفات اصحاب 21

2-الفهرست تألیف شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن بن على طوسى متولد 385 و متوفاى 460 ه.ق.این کتاب جزء اولین تألیفات طوسى در این زمینه و یکى از مفصل‏ترین کتابهاى فهرستى آن اعصار مى‏باشد.حضرت شیخ در مقدمه این کتاب مى‏نویسد:«چون دیدم جماعتى از اساتید ما از اصحاب حدیث، فهرست‏هایى تألیف کرده‏اند که در آن کتابهاى اصحاب ما و مصنفات ایشان و آنچه از اصول روایت کرده‏اند به شمار آمده است، اما کسى از ایشان را نیافتم که نام و نشان این گونه کتب را بتمامت ذکر کرده باشد، و نه حتى اینکه بتواند بیشتر آنها را یاد کند بلکه هر یک از ایشان غرضش این بوده است که آنچه را خود روایت مى‏کند یا آنچه کتابخانه‏اش در بر دارد جمع نماید، و هیچ کدام به تمام کتابهاى شیعه نپرداخته‏اند جز ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله(غضائرى) رحمه الله.و تنها او بود که دو کتاب در این موضوع پدید آورد که در یکى فهرست مصنفات و در دیگرى فهرست اصول را یادآور گردید، و این دو رشته را تا آنجا که توانست بیابد و مقدور وى بود استیفا نمود.البته از اصحاب ما کسى این دو کتاب را استنساخ نکرد، و ابو الحسین احمد نیز بطور ناگهانى از دنیا رفت، و بعضى از ورثه وى این دو کتاب و غیر آنها را به عمد نابود ساختند.»

بعد از این شیخ طوسى علت تألیف کتاب را باز مى‏کند، و آن اینکه شیخى فاضل که ظاهرا موقعیت ممتاز علمى داشته از ایشان به اصرار و تکرار درخواست تألیفى بر منوال تألیفات ابن غضائرى کرده و ایشان براى انجام خواسته آن دانشمند به تألیف فهرست پرداخته است.طوسى سپس چگونگى تنظیم کتاب را بیان مى‏کند، و در آخر مى‏فرماید:«ما در این کتاب متعهد نمى‏شویم که تمام این گونه کتب را احصا کنیم، چون تصانیف اصحاب و اصول ایشان قابل ضبط و شماره نیستند، زیرا بسیارى از اصحاب در بلاد مختلف و در سرزمین‏هاى دور دست پراکنده مى‏باشند.» 22

در این فهرست نزدیک به 900 تن از مؤلفان و در حدود دو هزار کتاب معرفى شده است.

3-کتاب رجال، تألیف شیخ الطائفه ابو جعفر طوسى، حضرت شیخ این کتاب را در کمال عمر و فهرست را قبل از آن تالیف نموده است به دلیل اینکه در جاى جاى کتاب الرجال به فهرست خویش ارجاع مى‏دهد، 23 همان طور که در مورد کتاب الفهرست دیدیم کتاب الرجال هم به خواهش یکى از دانشمندان معاصر شیخ نوشته شد که اهل تحقیق به احتمال قوى او را قاضى عبد العزیز بن براج(متوفى 481 ه.ق) دانسته‏اند. 24 هدفى که در کتاب الرجال دنبال شده نام برده از کسانى است که از پیامبر اکرم ص روایت کرده یا با آن بزرگواران صحابت داشته‏اند البته در آخرین باب آن، افرادى ذکر مى‏شوند که مستقیما از اهل عصمت روایت نکرده‏اند 25 و بیشترین آنها دانشمندانى هستند که بعد از دوره امامت زندگى و فعالیت علمى داشته‏اند.تعداد کسانى که در این کتاب نامبرده شده‏اند 8900 تن مى‏باشند، و حضرت شیخ ره گاه و بیگاه به توثیق و تعدیل یا جرح نامبردگان مى‏پردازد، و البته بیشتر اوقات فقط به ذکر نام و نسب ایشان و اینکه در شمار صحابه کدامیک از اهل عصمت هستند اکتفا مى‏کند.

4-اختیار الرجال، این کتاب نیز تألیف و انتخاب شیخ الطائفه ابو جعفر طوسى است، و در آن شیخ کتاب معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین علیهم السلام کشى را اختصار و انتخاب و تهذیب نموده و اولین بار آن را در 26 صفر سال 456 به شاگردان خویش در نجف املاء کرده است. 26 این کتاب حاوى روایاتى در احوال حدود 520 تن از رجال و راویان امامیه و غیر ایشان است، و در اغلب آنها مؤلف بدون هیچ گونه اعمال نظر روایات را نقل مى‏کند، و تنها در مواردى محدود درباره راوى یا دانشمند مورد بحث، یا درباره سند یا مضمون یکى از حدیث‏هاى نقل شده اظهار نظر مى‏فرماید. 27

«کتاب، نه خاص رجال شیعه است، و نه محدود به موثقان و مدح شدگان شرح حال زراره، چهره درخشان شیعه و راوى مقبول و موثق در آن هست، شرح حال ابو الخطاب مقلاص، غالى معروف، نیز هست.از غیر

شیعه فقط کسانى را نام مى‏برد که براى شیعه روایت کرده و در شمار رجال حدیث شیعه باشند.پس آمدن نام کسى در این کتاب نه دلیل شیعى بودن اوست، و نه نشانه وثاقتش.چنانکه نیامدن نام کسى در آن، نه دلیل شیعى نبودن اوست و نه دلیل ضعفش.» 28

5-فهرست اسماء مصنفى الشیعه که به رجال نجاشى مشهور است تألیف ابو العباس احمد بن على بن احمد بن عباس نجاشى اسدى کوفى متولد 372 و متوفاى 450 ه.ق مى‏باشد.این کتاب-که مورد بحث اصلى این مقاله است-فهرست مؤلفات شیعه است، لیکن تنها به احصاء و شماره کردن کتب شیعه اکتفا نکرده که در تمام زمینه‏هاى مربوط به علم رجال-به مفهوم عام آن-پاى نهاده، و اطلاعات دقیق و گرانبهایى ارائه کرده است.از رجال نجاشى اطلاعات زیر به دست مى‏آید که هر کدام به تنهایى در خور اهمیت هستند:

الف:سلسله نسب راویان و دانشمندان معرفى شده در این کتاب، در حد مقدور و بطور دقیق آمده است.

ب:محل تولد و سکونت و وفات، در مورد بسیارى از کسان کما بیش مشخص مى‏شوند.

ج:نجاشى جرح و تعدیل یا ضعف و وثاقت رجال را، با دقت و وسواس علمى ثبت و ضبط کرد.و در هر دو زمینه اگر سندى دارد ارائه مى‏دهد.

د:طبقه راویان که بسیار در شناخت اعتبار حدیث و قطع سند و اتصال آن مؤثر است، معین مى‏گردد.

ه:تاریخ وفات بسیارى از بزرگان را ضبط مى‏کند.

و:کتابهاى محدثین و دانشمندان را-با ذکر طریق دقیق اطلاع خودش از آنها-شماره مى‏نماید، و خیلى از اوقات این احصائیه‏ها دقیق‏تر و مفصل‏تر از آن است که در فهرست طوسى آمده است.

بنابراین رجال نجاشى، یک کتاب رجال به معناى خاص آن-که بازگو کننده ضعف و قوت راویان و طبقه ایشان باشد نیست، و آنچه به دست مى‏دهد دامنه بسیار گسترده‏ترى را فرا مى‏گیرد.

کتاب شناسان و دانشمندان فن رجال از این کتاب ستایش بسیار کرده‏اند، از جمله علامه شیخ آقا بزرگ تهرانى کتاب شناس بزرگ مى‏نویسد:«الشیخ ابو العباس احمد بن على النجاشى الاهوازى...العالم النقاد البصیر المضطلع الخبیر افضل من خط فى الرجال بقلم او نطق بفم، صاحب کتاب الدائر الذى هو مرجع الاوائل و الاواخر.»سپس از محقق بحر العلوم ره نقل مى‏کنند: «انه من اعظم ارکان الجرح و التعدیل و اعلم علماء هذا السبیل، اجمع علمائنا على الاعتماد علیه و اطبقوا على الاستناد فى احوال الرجال الیه» 29 .

پاره‏اى از نکات که مایه فضیلت بلکه علت برترى مطلق این دانشمند و کتاب او بر اقران ایشان است بدین قرار مى‏باشد:

1-نجاشى از محضر اساتید بسیار زیادى استفاده کرده است، و تنها اساتید بى‏واسطه او که در کتاب رجال نام برده شده‏اند از 40 تن بیشتر هستند. 30

نجاشى در ابتداى کتاب خود مى‏گوید:«و ذکرت لکل رجل طریقا واحدا حتى لا یکثر الطرق فیخرج الفرض» 31 :و براى هر یک از رجالى که در این کتاب مورد بررسى قرار گرفته‏اند، تنها یک طریق و یک سلسله از راویان که ناقل کتاب او هستند یاد کرده‏ام، تا اینکه سلسله اسناد زیادت نگیرند، و از غرض اختصار خارج نشوم.از این کلام مى‏توان استفاده و استنباط کرد که تعداد شیوخ و اساتید نجاشى منحصر به نام برده‏شدگان نبوده و بسیار بیشتر از اینها است.

از جمله این اساتید شیخ محمد بن محمد بن نعمان مفید است که بزرگترین دانشمند عصر بوده و در همه رشته‏هاى علوم اسلامى بویژه در کلام و فقه و حدیث و تاریخ و رجال سرآمد عصر خویش بوده است. نجاشى در مورد این استاد مى‏گوید:«شیخنا و استادنا رضى اللّه عنه، فضله اشهر من ان یوصف فى الفقه و الکلام و الروایة و الثقة و العلم» 32

و از جمله ایشان احمد بن على بن عباس بن نوح سیرافى مى‏باشد.نجاشى در مورد او مى‏گوید:«کان ثقة فى حدیثه، متقنا لما یردیه، فقیها، بصیرا بالحدیث و الروایة، و هو استاذنا و شیخنا و من استفدنا منه» 33 این استاد یعنى ابن نوح سیرافى دانشمندى بسیار بزرگ بوده و خود از قریب پنجاه تن از مشایخ و اساتید بهره برده است، 34 بنابراین اساتید بى‏واسطه و با واسطه نجاشى کثرتى فوق العاده خواهند یافت.

دیگر از اساتید نجاشى احمد بن محمد بن عمران معروف به ابن جندى است که در مورد او مى‏نویسد: «استاذنا رحمه اللّه الحقنا بالشیوخ فى زمانه» 35 استاد ما که خداى او را رحمت کناد ما را به شیوخ و اساتید زمان خویش ملحق ساخته و ارتباط ما را با دو نسل پیش ممکن ساخت.

استاد بزرگ دیگر او حسین بن عبید اللّه بن ابراهیم غضائرى است که در مورد او مى‏گوید:«شیخنا رحمه اللّه»و بعد فهرست کتاب‏هاى او را عرضه کرد، و در پایان مى‏نویسد:«اجازنا جمیعها و جمیع روایاته عن شیوخه» 36 او نقل تمام این کتابها و تمام روایات اساتید خویش را به من اجازه داده است.

2-نجاشى نه تنها در زمینه رجال و فهرست کتب داراى اطلاعات وسیع بوده است بلکه در بیشتر رشته‏هاى علوم نقلى موجود در زمان خویش تعلیم دیده و به محضر استاد نشسته است.

ایشان بعد از ذکر ابن بابویه شیخ صدوق ره و شمارش آثار علمى بسیار متنوع و فراوان ایشان مى‏گوید:«اخبرنى بجمیع کتبه و قرأت بعضها على والدى على بن احمد بن عباس نجاشى رحمه اللّه و قال لى:اجازنى جمیع کتبه لما سمعنا منه ببغداد» 37 پدرم تمام کتاب‏هاى صدوق را به من خبر داد، و بعضى از آنها را نیز نزد ایشان خواندم، و به من فرمود:صدوق آنگاه که کتابهاى او را تعلیم مى‏گرفتیم به من اجازه نقل آنها را داد.

3-آنچه شاید بیشتر از هر چیز در رجال نجاشى به چشم مى‏خورد دقت این مرد بزرگ است در ضبط و ثبت نکات لازم و عمل کردن دقیق به فنون علم رجال و درایه.مثلا ایشان در مورد ابو الفضل شیبانى محمد بن عبد الله بن محمد مى‏گوید:من این استاد را دیدم و از او مطالب فراوان شنیدم اما از نقل کردن بى‏واسطه از وى خوددارى کردم.علت این خوددارى این است که نجاشى متولد 372 بوده و در وقت وفات استاد یعنى سال 387 پانزده سال بیشتر نداشته است، و در آن روزگاران چنین سنینى را براى تحمل و تلقى و دریافت حدیث شایسته نمى‏دانسته‏اند.لذا بعدها نجاشى به شاگردان شیبانى مراجعه کرده و از اطلاعات ایشان استفاده مى‏کند. 38

و نیز در مورد ابو الحسین اسحاق بن حسن بن بکران عقرائى تمار مى‏نویسد:«من او را در کوفه دیدم، وى در این شهر سکونت گزیده بود، و به نقل و تدریس کتاب کلینى یعنى کافى اشتغال داشت.سن او در این وقت به کهولت رسیده بود، بنابراین من هیچ چیز از او سماع نکردم نجاشى از این مرد که شاگرد کلینى است، و سن او بسیار زیاد مى‏باشد سماع حدیث نکرده زیرا کهولت زیاد مى‏توانسته در ضبط و حفظ او خللى وارد ساخته باشد. 39

نجاشى در ترجمه احوال احمد بن محمد بن عبید الله بن حسن جوهرى مى‏نویسد:«من این استاد را دیدم، و او دوست من و پدرم بود، و از او مطلب زیادى شنیدم، اما چون دیدم که شیوخ و اساتید ماوى را تضعیف مى‏کنند از او هیچ چیز نقل نکرده و اجتناب ورزیدم 40

تا اینجا اشاراتى گذرا و کوتاه به پاره‏اى از احوال نجاشى و سیره علمى او و سیر تاریخى رجال نویسى متقدمان برایشان داشتیم و اینک به بررسى چاپ جدید رجال نجاشى مى‏پردازیم.

بعد از مدتى انتظار سرانجام رجال نجاشى چاپى مصحح و قابل اعتماد یافت.با اینکه کتاب چندین بار به چاپ رسیده بود اما هیچ کدام آنها دیگر امروزه نمى‏توانسته‏اند نیازهاى تحقیقاتى جدید را برآورده کنند، و احتیاج به یک چنین چاپ مصحح و منقحى روز افزون بود.اصولا تحقیقات جدیدى چون قاموس الرجال و معجم رجال الحدیث، بدون تصحیح و تحقیق بسیار دقیق اصول اولیه رجالى ممکن نخواهد بود.

کتاب چنانکه در مقدمه مصحح دانشمند آن حضرت آیت الله علامه شبیرى زنجانى آمده است، بر اساس چهارده مخطوط معتبر و قابل اعتماد تصحیح شده است.تصحیح یک کتاب بر اساس چهارده مخطوطه اگر بى‏نظیر نباشد، بسیار کم نظیر خواهد بود، و این یک جهت فضیلت این چاپ مى‏باشد، و در حد ممکن قابلیت استناد علمى کتاب را اطمینان بخش مى‏نماید. اما آنچه در این زمینه جاى سئوال و استفهام مى‏باشد این که چنانکه رسم است در مقدمه محقق این گونه کتب، مخطوطات مورد استناد معرفى مى‏شوند، و قدمت و صحت و اعتبار آنها شناسانده مى‏گردد، در حالى که در این کتاب چنین مقدمه‏اى وجود ندارد، و نسخه‏هاى معتبر و معتمد موجود نزد مصحح و دانشمند و بزرگوار آن معرفى نشده‏اند.البته امید مى‏رود که چنین اطلاعات لازمى در تعلیقات مصحح علامه که در آینده ان شاء الله به چاپ سپرده خواهد شد، آمده باشد.

همچنین شرح احوال مؤلف بزرگ کتاب، در مقدمه آن دیده نمى‏شود، و این کمبود اضافه بر اینکه خلاف رسم چاپ‏هاى فنى جدید است خوانندگان را از یک سلسله اطلاعات دقیق رجالى و تاریخى که حاصل یک عمر تحقیق مصحح کتاب است محروم ساخته.باز هم امید این که چنین مطالبى نیز در تعلیقات آمده باشد و بزودى به دست علاقمندان چنین مطالبى برسد.البته جالب توجه خواهد بود که بگوئیم یک مسئله مهم در مورد نجاشى-یعنى عصر او-به صورت مقالاتى در مجله«نور علم»، با یک دقت و تحقیق فوق العاده در بررسى، به چاپ رسیده است، و لازم است که علاقمندان از آن غفلت نورزند.

مسئله سومى که در مورد اصل کتاب قابل طرح و سئوال مى‏باشد این است که نسخه بدل‏ها از آن جا که ممکن است گاه در شناخت یک راوى یا عالم بزرگ مؤثر باشند، و اختلاف نسخه‏هاى مختلف در جرح و تعدیل تأثیر بگذارند لازم بوده است که با ذکر نسخه‏ها مشخص کردند که اهل نظر با ترجیح یک نسخه مخطوط، بر دیگرى بتوانند یکى از آن‏ها انتخاب کرده یا حداقل به یک ظن قوى برسند.البته استاد شبیرى در مقدمه کوتاه خود وعده مى‏فرمایند که ان شاء الله چنین چیزى در تعلیقات خواهد آمد.

در اینجا لازم است یک خصیصه بى‏نظیر که در چاپ این کتاب وجود دارد به خوانندگان محترم یادآور شویم، و آن اینکه مصحح وعده کرده است، بعد از ذکر نسخه بدل‏ها، یکى از آن‏ها که اصح از همه است انتخاب و دلایل خود را در این انتخاب ذکر کنند، و این مطلب یا در هیچ کتاب تصحیح شده وجود ندارد، و یا حداقل در آنچه از نظر قاصر این بنده گذشته دیده نشده است.

تا اینجا سئوالاتى بود که براى این بنده در مطالعه این کتاب پیدا شد که آنها با کمال تواضع به محضر استاد حضرت آقاى شبیرى زنجانى عرضه مى‏دارد.

اما در مورد چاپ کتاب باید بگوئیم:

اولا:حروف چینى و کاغذ و تجلید کتاب پاکیزه و نفیسى است.ثانیا:نقطه گذارى تا حدودى صحیح مى‏باشد.ثالثا:نام مصحح دانشمند و بزرگوار حضرت استاد زنجانى در پشت جلد نیامده، آیا خود ایشان بنا بر تواضع و فروتنى خویش از این کار تحاشى داشته‏اند یا اینکه تسامحى از جانب متصدیان نشر کتاب شده است؟ رابعا:چرا در تهیه فهارس لازم براى چنین کتاب گرانقدرى این قدر صرفه جویى شده است.آیا کاغذ آن قدر کم بوده است که لازم دیده نشده که کتاب جز یک فهرست داشته باشد.در حالى که حداقل فهرست‏هایى که براى این کتاب لازم است عبارتند از:

فهرست کامل اعلام، فهرست القاب، فهرست کنى، فهرست کتب، فهرست اماکن.البته این حداقل لازم و غیر قابل چشم پوشى است، و گرنه این کتاب با آن همه اطلاعات فراوانى که در خود دارد فهارس بسیار بیشتر از آن چه گفتیم لازم داشته که از آن جمله‏اند:

فهرست آیات و روایات، فهرست حرفه و شغل رجال، فهرست نام اصحاب هر یک از ائمه علیهم السلام، فهرست نام مشایخ اجازه و تعلیم، فهرست انتقالات از یک شهر به شهر دیگر، فهرست‏هاى فرعى کتب فقهى، روائى، تفسیرى، تاریخى، رجالى و غیره، فهرست بسیار مهم اصطلاحات رجالى.

پى‏نوشتها:

(1).این بحث را در تأسیس الشیعه لفنون الاسلام/233 و مقاله ممتع آقاى خامنه‏اى به عنوان چهار کتاب اصلى علم رجال در یادنامه علامه امینى 1/277-276 ببینید.

(2).الفهرست طوسى/202، ج اشپرنگرو الذریعة 10/83 و مصفى المقال/258

(3).الفهرست ابن الندیم/109، چ رضا تجدد.

(4 و 5).الاصابة 1/565 ترجمه زید بن صوحان شماره 2997 و 3/595 ترجمه و داعة بن ابى زید انصارى، شماره 9115، چ 1358 مصر و نیز مراجعه کنید به مصفى المقال/493 و 494

(6).رجال نجاشى/216 ترجمه 563 و الذریعة 10/127

(7).نجاشى 36 ترجمه 72 و الذریعة 10/89 شماره 165

(8).فهرست طوسى، 96 و 97 ترجمه 203 و معالم العلما/28، چ اقبال و نیز مراجعه کنید به نجاشى 119 ترجمه جعفر بن بشیر بجلى.

(9).نجاشى/76 و 77 ترجمه 182 و الذریعة 10/98-97

(10).شذرات الذهب 2/184 و الذریعة 10/84 و مصفى المقال /225 و 226

(11).نجاشى/16 تا 19 ترجمه شماره 19 و الذریعة 10/82

(12).نجاشى/274 ترجمه 718 و الذریعة 10/135 و مصفى المقال /278 و 279

(13).نجاشى 377 ترجمه شماره 1026 و طوسى:الفهرست 326 و 327 ترجمه 709 و الذریعة 10/141 و مصفى المقال/376

(14).نجاشى/96 ترجمه 233 و فهرست طوسى/42 و ترجمه 76 و الذریعة 10/87 و مصفى المقال/19-21

(15).نجاشى 381 و 382 ترجمه شماره 1037 و الذریعة 10/143 شماره 267 و مصفى المقال/391

(16).نجاشى/394 و 95 ترجمه شماره 1055 و الذریعة 1/323 و مصفى المقال/420، شرح احوال مفصل ایشان در الانساب سمعانى 3/283-285، چ هند.

(17).نجاشى/89 و 90 شماره 223

(18).نجاشى/83 و 84 ترجمه شماره 201 فهرست طوسى /40-41 و مصفى المقال/64 تا 66

(19).نجاشى/389-392 ترجمه 1049 و فهرست طوسى 304 و 305 ترجمه، 661 الذریعه 10 ص 83 و مصفى المقال 14 و 15

(20).نجاشى 372 ترجمه 1018 و فهرست طوسى 309 و الذریعة 1/365

(21).طوسى:الفهرست 2 الذریعة 1/88 و 89 و 4/290 و مصفى المقال/45 تا 48 و هدیة الاحباب/79 و 80

(22).طوسى:الفهرست 1 تا 4، چ اشپرنگر، افست دانشگاه مشهد

(23).در ذکر محمد بن احمد ین یحیى اشعرى/ص 493 و محمد بن على بن محبوب اشعرى.ص 494 و محمد بن یعقوب کلینى ص 496، از چ نجف

(24).مراجعه کنید به الذریعة 5/145 و مقدمه محمد صادق بحر العلوم بر کتاب الرجال 56 چ نجف

(25).باب من لم یروعن واحد من الائمة علیهم السلام، ص 438 تا 520 از طبع نجف

(26).مقدمه کتاب الرجال 62

(27).مثلا نگاه کنید به احوالات زرارة بن اعین، حدیث 235، چ دانشگاه مشهد به عنوان اختیار معرفة الرجال

(28).سید على خامنه‏اى:چهار کتاب اصلى رجال، یادنامه علامه امینى 1/285 و 286، و نگاه کنید به قاموس الرجال 1/ص 16، چ اول

(29).مصفى المقال فى مصنفى علم الرجال/58

(30).معجم رجال الحدیث 2/157 تا 165، چ دوم

(31).رجال النجاشى/3، چ زنجانى نجاشى در قسمتهاى دیگر کتابش به این مطلب مکرر اشاره دارد.مثلا ص 116 ترجمه شماره 297 و ص 127 ترجمه شماره 328 و ص 231 ترجمه شماره 612

(32).نجاشى/399 ترجمه 1067

(33).نجاشى/86 ترجمه 209

(34).سید موسى شبیرى زنجانى:عصر نجاشى، «مجله نور علم»، شماره یازدهم، مرداد 1364، ص 19 تا 21

(35).نجاشى/85 ترجمه 206

(36).نجاشى/69 ترجمه 166

(37).نجاشى/392 ترجمه 1049

(38).مراجعه کنید به نجاشى/396 ترجمه شماره 1059

(39).مراجعه کنید به نجاشى/74، شماره 178، البته محقق بزرگ شوشترى در معناى این سخن کلامى دارد قابل تأمل و دقت، مراجعه کنید به قاموس الرجال 1/487-485 که البته آن هم بر ادعاى اصلى ما دلالت تمام دارد.

(40).مراجعه کنید به نجاشى/86 شماره 207